

نوشتِ اول

نام‌ها در نیام‌اند، و تا از نیامشان بیرون نیابند، یا نیامده باشند، به نمای آنها نمی‌رسیم. و نیز به تأثیری که از نمایشان حاصل می‌شود. و یا نمی‌شود. نامهای ماندنی هر بار که از نیام بیرون می‌آیند از نیامی غیر، تازه و ندیده بیرون می‌آیند تا غیر را نمایی دیگر دهند.

آنچه باعث شده تا از طول تاریخ نام‌هایی بیرون آیند، ماندنی شوند، و خودشان را به روزگار ما برسانند و با ما باشند، دغدغهی مداومی است که آنها در ارایهی حرفی غیر داشته‌اند. آنها هر وقت خواسته‌اند خود را از نیام خود بیرون کشند تا نما شوند تمام آنچه از خود و غیر خود از پیش به نما رسیده بوده است را مرور کرده‌اند تا دوباره تکرار خود و یا تکرار غیر خود نکنند. نباشند. آثاری که ماندنی شده‌اند به دلیل تأثیری است که هر بار پس از خواندنشان بر ما می‌گذارند چون نمایی از خود را نمای ما می‌کنند و توانسته‌اند خود را همچنان تازه نگهدارند.

هرکس برای به نما گذاشتن خویش شیوه‌ای درونی دارد که ممکن است با شیوه‌های درونی دیگری، چه در زمان خود و چه در زمان پیش از خود ظاهرن هم‌مشکل باشد اما شیوه‌ی درونی دیگری نیست. این هم‌مشکل بودنِ ظاهری، خود نتیجه‌ی تجربه‌ی تمام کسانی است که در طول تاریخ برای به نما گذاشتن خویش در جستجوی کلمه برای نمای خود و نماهای خود شده‌اند و نتیجه‌ی تجربیات و تلاش آنها، امروز در اختیار ما است که باید با نگاه کردن به آنها به نگاه خود برسیم و خودمان باشیم. در کنار و در ادامه‌ی آنها.

اما اگر این هم‌مشکل بودن، درونی از خود نداشته باشد و فقط محو ظاهر شده باشد بجز تظاهر نمی‌تواند کاری کند و از خود اثری بر آنکه نگاهش می‌کند بگذارد، چون نتوانسته از خود نمایی بسازد، و هرچه ساخته است از دیدن نمای دیگری است و نه نمای خودش، که نمای تقلید است، و هیچگاه عمری نداشته و ندارد و نتوانسته و نخواهد توانست خود را ماندنی کند.

تشخیص شیوه‌ی درونی یک نام، دور از تأمل ناقدان در دوره‌ی معاصر است و ناقدان برای به نقد کشیدن نامها شیوه‌های ظاهری نامها را ملاک خود می‌کنند. و ظاهر، هیچوقت کسی را به جایی نمی‌برد. نمی‌رساند.

سردبیر